

فلاصه و نکات کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی

● جلسه سوم: ایمان از روی آگاهی

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخَلْقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٧٠﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٧١﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٧٢﴾ رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيْمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٧٣﴾ (آل عمران/ ١٩٠ و ١٩٣)

وَإِذَا قِيلَ لَهُم تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا ءَأُولُو كَانٍ ءَأَبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٤﴾ (مائده/ ١٠٤)

➤ دو یا سه حقیقت دیگر در مورد ایمان :

۱- ایمان یک خصلت برجسته ی پیامبران خدا و مومنان و دنباله‌روان آنهاست؛ ایمان داشتن، باور داشتن به رسالت خود.

✓ فرق میان رهبران الهی و رهبران سیاستمدار جهانی :

- رهبر الهی مانند راه رو این راه ، به آن چه می‌گوید ایمان دارد و یا همه‌ی وجود صمیمانه مومن است . در حالی که سیاستمداران عالم، احیاناً سخنان زیبایی ممکن است داشته باشند اما به آنچه می‌گویند ایمان یا ایمان به قدر لازم ندارند. رهبران الهی در همه جا خود پیشقدم و جلوتر از مردم بودند.

- پیغمبر اکرم در مهمترین و خطرناک‌ترین حادته‌های اسلام خودشان حضور داشتند. پیامبر چون عمار و بقیه مورد سخت‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفتند و به آنچه خود آوردند ایمان داشتند.

۲- دو نوع ایمان داریم:

✓ نوع اول : ایمانی مقلدانه و متعصبانه ؛

چون پدر یا معلم گفته ما هم باور کردیم. این نوع ایمان عامه‌ی مردم است. اصلاً نمی‌دانند که چرا باید پیغمبر باشد و ... در ایمان متعصبانه می‌گوید چون این عمل را ما مسلمانان انجام می‌دهیم درست است ولی دیگران چون مسلمان نیستند اعمالشان باطل است.

آنچه در اسلام ارزش دارد ایمان مقلدانه نیست. یکی از دلیل‌های این ادعا این است که؛ ایمانی که از تقلید باشد گرفتنش هم به آسانی ممکن است.

✓ نوع دوم ایمان : ایمان آگاهانه.

- آن ایمانی که ارزش دارد در اسلام، ایمان از روی آگاهی است. ایمان از روی بصیرت، با چشم باز، بدون ترس از اشکال، به وجود آمده است. اگر ما بخواهیم ایمان آگاهانه باشد، ایمان محکم باشد باید دائماً آگاهی بدهیم به کسانی که مومن هستند. اگر ایمان مستحکم شد هیچ چیز نمی تواند آن را از انسان بگیرد. این آیات آخر سوره آل عمران ایمان آگاهانه را به ما معرفی می کند.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ . آیاتی برای چه کسانی؟ برای اُولی الالباب برای آنکه نیروی فکر، اندیشه و خرد را به کار بیندازد.

✓ اُولی الالباب چه کسانی هستند؟

- شاید مردم، خردمند را کسی بدانند که در همه‌ی امور زندگی اش پیشرو است، در هیچ کاری کلاه سرش نمی رود در کاسبی، سیاست بازی، معارضه و مقابله با حریف.

- خردمند از نظر قرآن کسی است که عالی ترین ارزش ها را بیش از همه چیز و همه کس مورد نظر داشته باشد.

- خردمندان در همه حال به یاد خدا هستند در حالت نشسته، ایستاده، به پهلو تکیه داده.

- البته این معنایی این نیست فقط در حال عبادت اند و کاری دیگری ندارند بلکه فعال اند، به کسب روزی می پردازند ولی خدا و قوانین الهی را در نظر دارند.

- هنگامی که اُولی الالباب می گویند ایمان آورده اند، چون اینها صاحب اندیشه و فکراوند پس ایمانشان هم دارای آگاهی

است و ایمانشان آگاهانه است. «رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران/ ۱۹۳)

۳- در قرآن ایمان های کورکورانه و متعصبانه با شدت توبیخ می شود.

- چون ایمان آگاهانه از نظر اسلام مطلوب است، چون که خدای متعال ایمان نا آگاهانه را قبول ندارد و ارج و ارزشی برایش قائل نیست؛ لذا چند جای قرآن، ایمان های کورکورانه و متعصبانه، که غالباً این جور ایمان ها انسان را با مغز به زمین می کوبد، این چنین ایمان هایی را به شدت توبیخ می کند.

- هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر بیاید، می گویند: آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم، ما را بس است؛ آیا اگر پدران آنها چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته بودند، باز هم باید از آنها پیروی کنند؟

- همه جا پیغمبر روشنفکر است ولی کافران و مخالفان و مبلغان و مقلدان و متحجران و مرتجعانی هستند که راه نور را نمی پسندند و حرفشان این است که «ره چنان رو که رهروان رفتند.»

پایان جلسه سوم (۹۹/۷/۳)

کپی و نشر آزاد (با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد)